

The Relationship between Emotional Intelligence and Sport Orientation of Higher Athletes Males in Confrontational Sports

Saeed Sadeghi Boroujerdi¹ Jamil Navkhasi² Ali Akbar Hossian Nejad³ Zahra Shasavari⁴

1. Associate to Professor at University of Kurdistan .Department of Sport science.Sanandaj –Iran
2. PhD student in sport management at Islamic Azad University - Central Tehran branch.
3. MS in sport psychology at Islamic Azad University – Kraj branch.
4. MS student in sport management at Islamic Azad University – Sanandaj branch. Sanandaj - Iran

Abstract

Introduction: Undoubtedly, social and emotional abilities and competencies are the determinants factors and impact on the quality of social relationships and success in various spheres of life and career.

Objective: This research investigates the relationship between emotional intelligence and sport orientation of male athletes of confrontational sports.

Materials and Methods: The research methodology is measurement descriptive. Statistical population include all the higher male athletes of confrontational sports (Handball, Kungfo, Karate, Footstall, and Basketball) of Kurdistan province.in this regard, 100 cases participated. Statistical methods include Freedman tests, Pierson coefficient and sampling structural equation modeling.

Results: The result showed self-regulation and winning interest, frequent choice of these athlete emotional intelligence and sport orientation components, respectively. Clearly, there is direct/positive significant relationship between emotional intelligence and sport orientation. Also, emotional intelligence can predict sport orientation.

Conclusion: Based on the findings in this research emotional intelligence one of the most important determinants of sports orientation and the results show that increasing the ability of orientation of the sports setting and the emotional intelligence is dependent on the strength of athletes.

Key words: Emotional Intelligence, Sport Orientation, Higher Athlete, Confrontational Fields.

ارتباط بین هوش‌هیجانی و جهتگیری ورزشی مردان ورزشکار برتر رشته‌های برخوردي

سعید صادقی بروجردی^۱، جمیل ناوخاصی^{۲*}، علی اکبر حسین نژاد^۳، زهرا شهسواری^۴

- ۱- دانشیار دانشگاه کردستان، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی.
۲- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
Jamil.navkhasi@yahoo.com (مؤلف مسئول).
۳- کارشناس ارشد روان‌شناسی ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
۴- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.

چکیده

مقدمه: بیشک تو امنیتی‌ها و شایستگی‌های اجتماعی و هیجانی از عامل‌های تعیین کننده و تأثیرگذار بر کیفیت روابط اجتماعی و موفقیت در حوزه‌های گوناگون زندگی و حرفة‌ای به شمار می‌روند.

هدف: هدف از این پژوهش بررسی ارتباط بین هوش‌هیجانی و جهتگیری ورزشی مردان برتر رشته‌های برخوردي بود.

روش: روش پژوهش توصیفی همبستگی و جامعه آماری آن را کلیه ورزشکاران مرد برتر رشته‌های برخوردي (هندبال، کونگفو، کاراته، فوتسال، و بسکتبال) استان کردستان تشکیل می‌دادند. که به صورت تمام شمار تعداد ۱۰۰ نفر در این پژوهش شرکت کردند. روش‌های آماری شامل آزمون‌های فریدمن، همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری بود.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که خودتنظیمی و تمایل به پیروزی به ترتیب انتخاب غالب ورزشکاران در بین مؤلفه‌های هوش‌هیجانی و جهت‌گیری ورزشی است. بین هوش‌هیجانی و جهتگیری ورزشی، رابطه مستقیم و معناداری وجود داشت، همچنین هوش‌هیجانی، قابلیت پیش‌بینی جهتگیری ورزشی را دارد.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های این پژوهش، هوش‌هیجانی از جمله مهم‌ترین عوامل تعیین کننده جهتگیری ورزشی به شمار می‌رود و نشان می‌دهد که افزایش قابلیت جهتگیری در محیط‌های ورزشی، تابع توان بالای ورزشکاران در داشتن هوش‌هیجانی است.

کلید واژه‌ها: هوش هیجانی، جهتگیری ورزشی، ورزشکار برتر، رشته‌های برخوردي.

مقدمه

است، مربیان بر لزوم موفقیت ورزشکاران تأکید می‌ورزند.² اما آیا تنها وجود ذهنی قوی و آشنا با مهارت‌ها، موفقیت در ورزش را تضمین می‌کند؟ در امروزه پژوهشگران با توصل به نظریه هوش‌هیجانی در صدد تعیین و پیش‌بینی موفقیت‌های ورزشی افراد ورزشکار هستند. علاوه بر آن، یکی از ابعاد مورد بررسی در زمینه موفقیت، انگیزش ورزشکاران برای شرکت در فعالیت‌ها و رقابت‌های ورزشی است (گیل³، ۲۰۰۰).

با و من و همکاران⁴ (۲۰۰۱) جهتگیری ورزشی را میل به مسابقه یا تمایل به پیروزی تعریف کرده‌اند که براساس آن ورزشکاران هدف‌هایی را در طول رقابت بر می‌گزینند و برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند. افراد براساس جهتگیری ورزشی که اتخاذ می‌کنند، با دلایل متفاوتی در فعالیت‌های ورزشی و جسمانی درگیر شده و با روش‌های گوناگون در موقعیت‌های مختلف برانگیخته می‌شوند. (Finkenbergs، Moudy و Dignosy⁵، ۱۹۹۸). بنابراین آگاهی از این که چرا بعضی افراد انگیزش زیادی برای دستیابی به اهداف خود دارند و برخی دیگر این‌گونه نیستند، حائز اهمیت است. مبانی نظری جهتگیری ورزشی از نظریه اهداف پیشرفت نشأت می‌گیرد. یکی از نظریه‌های که در سال‌های اخیر برای تبیین شناخت، انگیزش و عواطف افراد در موقعیت‌های مختلف توسط روانشناسان ارائه شده، نظریه اهداف پیشرفت است. این نظریه هم عوامل شخصی

امروزه علم، به قدرت و نفوذ هیجان‌های ذهنی انسان پی‌برده و در حال کشف و تبیین جایگاه هیجان‌ها و احساس‌ها در فعالیت‌ها، رفتارها، حرکتها و شخصیت انسانی است. در حوزه مطالعه‌های هوش نیز سیر مطالعه‌ها از هوشمنطقی (که بر پایه شناخت استوار است) به سمت هوش‌هیجانی حرکت می‌کند. هوش‌هیجانی سعی در تشریح و تفسیر جایگاه هیجان‌ها و احساس‌ها در توامندی‌های انسانی دارد (مختاری‌پور، ۱۳۸۵). به اعتقاد پژوهشگران هوش‌هیجانی، مهارتی است که دارنده آن می‌تواند از طریق خود آگاهی، روحیات خود را کنترل کند، با خودمدیریتی آن را بهبود بخشد، به وسیله هم‌دلی تأثیر آن‌ها را در کند و از طریق مدیریت روابط به شیوه‌ای رفتار کند که روحیه خود و دیگران را بالا ببرد (دوستدار و خائف، ۱۳۸۲).

گلمان¹ (۱۹۹۸) هوش‌هیجانی را این‌گونه تعریف می‌کند: عاملی است که ظرفیت انسان را در شناخت احساسات خود و دیگران تعیین و کمک می‌کند تا در خود ایجاد انگیزش کرده و هیجانات خود را کنترل و روابط خود با دیگران را بر این اساس، پی‌ریزی کند. در ادامه وی ۸۰ درصد موفقیت‌های افراد را وابسته به هوش‌هیجانی و تنها ۲۰ درصد مابقی را برگرفته از بهره‌های هوشی می‌داند. از آنجا که یکی از حوزه‌های موفقیت فردی، موفقیت در عرصه ورزش

2.Gill

3.Bowman & et al

4.Finkenberg, Moode & Dinnucci

1.Golman

کدام صفت قوی هستند و چه نقاط ضعفی دارند. توانایی درک، استنباط و به کارگیری مهارت‌های هیجانی در افراد متفاوت است و این مجموعه از سطح هشیاری، هوش‌هیجانی فرد را تشکیل می‌دهد و در عملکرد فرد سهم بسزایی دارد (کرابی^۱، ۲۰۰۷). از طرفی، ابعاد جهتگیری ورزشی و انگیزه‌های رقابتی رابطه نزدیکی در ارتباط با شناسایی انگیزه‌های مختلف رقابتی ورزشکاران و جهت‌هی صحیح ورزشی و بهبود عملکرد ورزشکاران دارند و مطمئناً ورزشکاران برتر نیز که همواره درپی کسب موفقیت و برتری هستند از این قاعده مستثنی نیستند کما این‌که اهمیت این عوامل در موفقیت آن‌ها به نسبت ورزشکاران آماتور نیز بیشتر باشد. علاوه بر آن با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این زمینه پژوهشی که به طور مستقیم به آزمون ارتباط بین این دو متغیر پرداخته باشد، یافته نشد. هم‌چنین پژوهش‌های قبلی انجام شده در بعضی موارد هم دیگر را تأیید و یا رد نموده‌اند. از این‌رو مسئله اصلی، نبود آگاهی از ارتباط بین هوش‌هیجانی و جهتگیری ورزشی است. با نگاهی به نوع، ماهیت فعالیت و محیطی که ورزشکاران در آن به فعالیت می‌پردازند، به دست آوردن و کسب اطلاعات در این زمینه می‌تواند مورد مورد استفاده روان‌شناسان ورزشی، مربیان و مدرسان کلاس‌های مربیگری قرار گیرد. بنابراین با توجه به اهمیت موارد ذکر شده هدف این

(ادرادات، ارزش‌ها و عواطف) و هم عوامل موقعیتی را مورد توجه قرار می‌دهد. هم‌چنین نظریه اهداف پیشرفت مدلی را پیشنهاد می‌کند که می‌تواند بر مبنای آن درگیری‌های شناختی و رفتاری افراد را که در سطوح مختلف و به اشکال گوناگون صورت می‌گیرد، توجیه نمود (بارون و پارکر^۲، ۲۰۰۰). موری^۳ در سال ۱۹۳۸ (به نقل از گیل و دیتر^۴، ۱۹۹۸) ابتدا انگیزه پیشرفت را به عنوان عامل شخصیتی مطرح و آن را نیاز به رسیدن به آرزو تعریف کرد. اتکینسون^۵ در سال ۱۹۷۴ (به نقل از گیل و دیتر، ۱۹۹۸) و با گسترش کار موری، انگیزه پیشرفت را به عنوان ترکیبی از دو سازه شخصیتی (انگیزه برای کسب موفقیت و انگیزه اجتناب از شکست) تعریف کرد. این دو انگیزه در همه افراد وجود دارد، اما همه ما به یک اندازه از این دو انگیزه برخوردار نیستیم و عامل شخصیتی کلیدی در تفاوت بین این دو انگیزه است (گاردنر^۶، ۲۰۰۱). از میان عوامل دخیل در کسب موفقیت حرفه‌ای، توجه به هوش‌هیجانی و بررسی آن در ورزشکاران ضرورتی اساسی دارد (شعبانی بهار، یعقوبی و فاروقی، ۱۳۸۹). در واقع، هیجان و چگونگی کنار آمدن افراد با آن، بخشی از شخصیت آدمی است که بر عملکرد فرد تأثیر می‌گذارد. با این همه بسیاری از ورزشکاران به دلیل پیچیدگی حالات‌های هیجانی، نمی‌دانند که در

5 .Bar-on & Parker

6 .Muri

7 .Gill & Deeter

8 .Etcitson

9 .Gardner

یافتد که بین جهتگیری هدف و خود کارآمدی با عملکرد ورزشی همیستگی مثبتی وجود دارد، همچنین نتایج رگرسیون چندگانه حاکی از آن بود که متغیرهای خود کارآمدی و جهتگیری هدف، اضطراب رقابتی و عواطف مثبت و منفی،^{۱۹} درصد از عملکرد ورزشی و^{۲۰} درصد از رضایت از زندگی را تبیین می‌کنند.

سید عامری، سعیدی و منافی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی رابطه هوش‌هیجانی و موفقیت ورزشی ورزشکاران رشته‌های تیمی پرداختند و نشان دادند که ارتباط مثبت و معناداری بین هوش‌هیجانی و موفقیت ورزشی وجود دارد. هم چنین بین تمام مولفه‌های هوش‌هیجانی (خودآگاهی، مدیریت خود، اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و خودآگاهی در اولویت اول قرار دارد.

جمشیدی، حسینی، ساجدی، سفری و زری (۲۰۱۱) ارتباط جهتگیری ورزشی و اضطراب رقابتی را در ورزشکاران بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، جهتگیری ورزشی اضطراب رقابتی را پیشینی می‌کند؛ مردان ورزشکار رقابت طلبدار و تمايل به پیروزی بیشتری نسبت به زنان ورزشکار داشتند، در حالی که زنان ورزشکار هدف‌گرایتر از مردان ورزشکار بودند. همچنین بین جهتگیری ورزشی ورزشکاران رشته‌های تیمی و انفرادی تفاوت معناداری مشاهده نشد. شعبانی بهار، یعقوبی و

پژوهش بررسی ارتباط هوش‌هیجانی با جهتگیری ورزشی مردان ورزشکار برتر رشته‌های برخوردي است. الیاسی، صداقتی و صلاحیان (۲۰۱۱) به بررسی رابطه هوش‌هیجانی و جهتگیری در بین ورزشکاران رشته‌های تیمی و انفرادی پرداختند. آن‌ها دریافتند که رابطه مثبت و معناداری بین هوش‌هیجانی و جهتگیری و همچنین رابطه معناداری بین بعد رقابتی و هدفگزینی با هوش‌هیجانی وجود دارد، اما رابطه معناداری بین برگرایی و هوش‌هیجانی وجود ندارد. موناسیس، استاردا، سیناترا، تانسی و دیپاولو^{۱۱} (۲۰۱۳) در بررسی خودانگیزشی، حمایت ورزشی و جهتگیری ورزشی به این نتیجه دست یافتد که، جنسیت و نوع ورزش (تیمی و انفرادی) بر جهتگیری ورزشی اثر مستقیم دارد.

کچ بافنژاد، احمدی، حیدری، عسکری و عنایتی (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان تفاوت ورزش‌های تیمی و انفرادی از حیث مهارت‌های روانی، هوش‌هیجانی و موفقیت ورزشکاران بیان داشتند که بین دو گروه (ورزش‌های تیمی و انگیزش در مهارت‌های روانی و انگیزش موفقیت تفاوت معناداری وجود دارد، اما تفاوت معناداری بین دو گروه فوق از حیث هوش‌هیجانی یافت نشد.

ابوالقاسمی، کیامرتی و سهرابی (۱۳۹۲) در پژوهشی ارتباط جهتگیری هدف، خودکارآمدی و هیجان‌های مثبت و منفی را با عملکرد ورزشی و رضایت از زندگی در وشوکاران دختر بررسی کردند. آن‌ها

11.Monacis, Estrada, Sinastra, Tanucci & Depalo

رشته های گروهی نسبت به رشته های انفرادی برتری داشتند. همچنین بین ابعاد جهتگیری ورزشی و انگیزه های رقابتی رابطه معنادار و مثبتی وجود داشت.

روش بررسی

روش پژوهش از نوع توصیفی همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش را ورزشکاران برتر رشته های برخورده (هندبال، کونگفو، کاراته، فوتسال، و بسکتبال) استان کردستان تشکیل می‌دادند که جزو تیم های استانی انتخاب شده بودند. که به صورت تمام شمار تعداد ۱۰۰ نفر در پژوهش شرکت کردند. به منظور گردآوری اطلاعات از دو پرسشنامه هوشیجانی لان و همکاران^{۱۲} (۲۰۰۹) که شش عامل ارزیابی احساسات خود، ارزیابی احساسات دیگران، خودتنظیمی، مهارت های اجتماعی، به کارگیری عواطف و خوبی بینی را می‌سنجد و حاوی ۳۳ سوال ۵ گزینه‌ای، براساس طیف لیکرت است و جهتگیری ورزشی گیل و دیتر (۱۹۹۸) که شامل ۲۵ سوال و سه مولفه رقابت طلبی، برگرایی و هدف چینی را بر روی مقیاس پنج درجه ای لیکرت مورد سنجش قرار می‌دهد استفاده شد. روایی صوری و محتوایی ابزار، توسط پنج تن از استادی روانشناسی ورزشی بررسی و پس از اصلاحات، تأیید شد. پایایی ابزار نیز در یک مطالعه راهنمای استفاده از آزمون آلفای کرونباخ برای پرسشنامه های هوشیجانی برابر با $\alpha = 0.90$ و جهتگیری ورزشی برابر با

فاروقی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان ارتباط هوشیجانی و عملکرد ورزشی ورزشکاران به این نتیجه رسیدند که، بین هوشیجانی و عملکرد ورزشی ورزشکاران رشته های انفرادی و گروهی ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد ورزشکاران رشته های انفرادی و گروهی، به طور کلی در میزان هوشیجانی تفاوت معناداری با هم ندارند. سلطانی‌فرد، شریفی‌درآمدی و عسکریان (۱۳۸۷) کمال‌گرایی و هوشیجانی را در ورزشکاران مرد رابطه سنجی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که، بین هوشیجانی و مولفه‌های آن با کمال‌گرایی ورزشکاران رابطه معناداری وجود دارد.

اصلانخانی، شمس و شمسی‌پور دهکردی (۱۳۸۷) هوشیجانی و عوامل شخصیتی را در ورزشکاران بزرگ نخبه و غیرنخبه بررسی کردند و به این نتیجه دست یافتند که، بین صفات شخصیتی بروون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، کسب تجربه و سازش یافتنی با هوشیجانی در ورزشکاران غیرنخبه همبستگی مثبت و بالاتری وجود دارد. نوربخش، ضرغامی و حسنی (۱۳۸۵) جهتگیری ورزشی را در بین دانشجویان دختر و پسر ورزشکار رشته های انفرادی و گروهی و رابطه آن با انگیزه های رقابتی بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که بین ابعاد جهتگیری ورزشی دانشجویان ورزشکار دختر و پسر تفاوت معناداری وجود ندارد، اگر چه در ابعاد رقابت طلبی و هدف‌چینی دانشجویان ورزشکار

12. Lane & et al

۲/۹۲	خودتنظیمی	اول
۳/۸۴	مهارت اجتماعی	دوم
۳/۷۶	به کارگیری	سوم
	عواطف	
۳/۵۸	خوشبینی	چهارم
۲/۵۰	ارزیابی	پنجم
۲/۳۷	احساسات خود	ششم
	ارزیابی	
	احساسات	
	دیگران	

همچنین با توجه به تفاوت معناداری که در ابعاد جهت‌گیری ورزشی ورزشکاران به دست آمد (جدول ۳). در اولویت‌بندی نیز تمایل به پیروزی در رتبه اول رقابت‌طلبی در رتبه دوم و هدفگزینی در رتبه سوم قرار داشتند (جدول ۴).

جدول ۳: نتیجه آزمون تحلیل وارایانس فریدمن

تفاوت	معناداری وجود دارد	نتیجه	خطا	میزان	سطح	کای دو	معناداری
				۰/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱

جدول ۴: اولویت‌بندی مؤلفه‌های جهت‌گیری ورزشی

مؤلفه‌ها	رتبه
میانگین-	
رتبه‌ای	
۲/۲۲	تمایل به
۲/۰۳	پیروزی
۱/۶۶	اول
	رقابت-
	طلبی
	دوم
	هدفگزینی
	سوم

با در نظر گرفتن سطح معناداری به دست آمده از طریق آزمون ضریب همبستگی پیرسون، بین هوش‌هیجانی با جهت‌گیری ورزشی، رقابت‌طلبی و تمایل به پیروزی ارتباط معناداری وجود داشت، این در حالی است که بین هوش‌هیجانی

$a = ۰/۹۱$ به دست آمد. در ادامه اطلاعات به دست آمده از آمار توصیفی و آمار استنباطی آزمون فریدمن، همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری با پیالاس^{۱۳} در سطح $p \leq ۰/۰۵$ تجزیه و تحلیل شد.

تجزیه و تحلیل
نتایج بررسی مشخصات فردی نشان داد که از ۱۰۰ ورزشکار تحت بررسی ۶۴ درصد مجرد و ۳۶ درصد متأهل بودند. همچنین به لحاظ تحصیلات، ۶ درصد از ورزشکاران تحصیلات زیردیپلم، ۴۱ درصد دیپلم، ۱۲ درصد کاردانی، ۳۲ درصد کارشناسی و ۹ درصد هم تحصیلات کارشناسی-ارشد و بالاتر داشتند.

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون تحلیل وارایانس فریدمن کوچکتر از میزان خطاست، در نتیجه با اطمینان ۹۵ درصد میتوان گفت که بین شش بعد هوش‌هیجانی ورزشکاران تفاوت معناداری وجود داشت (جدول ۱). همان‌گونه که مشاهده می‌شود خود-تنظیمی، مهارت اجتماعی و به کارگیری عواطف به ترتیب بهترین رتبه و عامل ارزیابی احساسات دیگران کمترین رتبه را دارا هستند (جدول ۲).

جدول ۱: نتیجه آزمون تحلیل وارایانس فریدمن

نتیجه	خطا	میزان	سطح	کای دو	معناداری
تفاوت		۰/۰۱	۰/۰۲۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵

جدول ۲: اولویت‌بندی مؤلفه‌های هوش‌هیجانی

مؤلفه	میانگین-	رتبه‌ای

افزار نسل دوم مدل‌سازی معادلات ساختاری است و در مقایسه با روش‌های نسل اول که کوواریانس محور بودند مزیت‌های را دارد. مهم‌ترین دلیل، برتری این روش برای نمونه‌های کوچک ذکر شده است. دلیل بعدی داده‌های غیرنرمال می‌باشد که پژوهش‌گران در برخی پژوهش‌ها با آن روبرو می‌شوند. در نهایت دلیل آخر استفاده از این روش، سروکار داشتن با مدل‌های اندازه‌گیری از نوع سازنده است (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲). براساس ضریب استاندارد شده مسیر میان هوش‌هیجانی و جهتگیری ورزشی در شکل ۱، هوش هیجانی به میزان ۰/۲۴ درصد از تغییرات متغیر جهتگیری ورزشی را تبیین می‌کند.

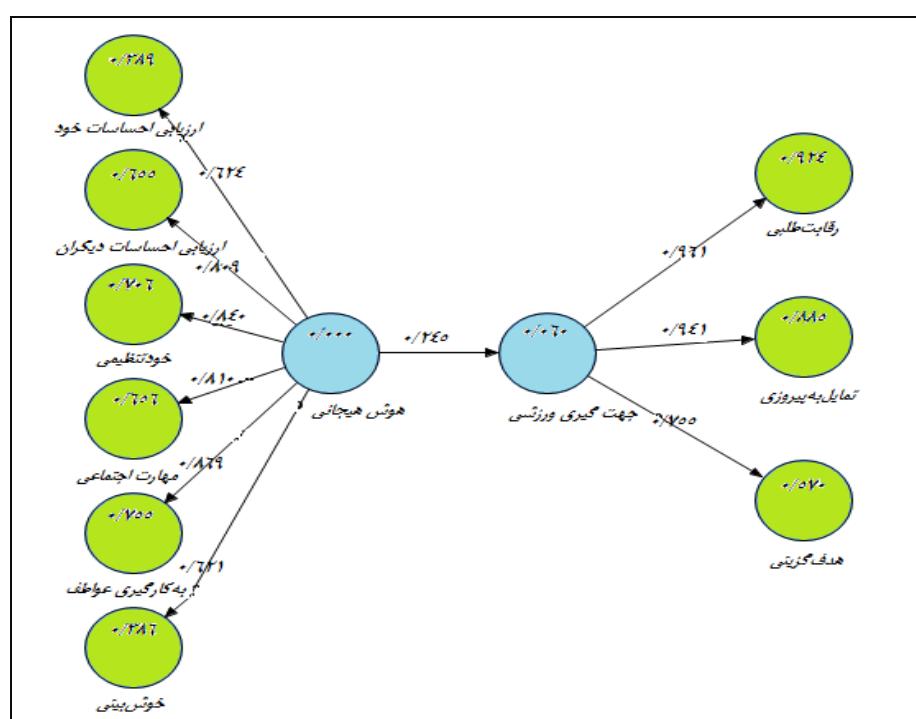
و هدفگرایی ارتباط معناداری وجود نداشت (جدول ۵).

جدول ۵: توصیف همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۰/۰۶	۰/۲۳۱	۰/۲۳۴	r	هوش-هیجانی
۰/۱۹۵	۰/	۰/	۰/	sig	
۰/۰۵۲	۰/۴۰	۰/۲۱	۰/۱۹		
/	/	/	/		

ارائه مدل

در این تحقیق از نرم افزار پی‌ال‌اس که از مزیت‌های بالاتری نسبت به نرم افزارهای نسل اول برخوردار است استفاده شد. مدل‌سازی معادلات ساختاری با این نرم-



شکل ۱: خروجی نرم افزار پی‌ال‌اس در حالت استاندارد رابطه علی بین هوش‌هیجانی و جهتگیری ورزشی

جدول ۵: نتایج شاخص‌های برآزش مدل

متغیرهای مکنون	ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha > 0.7$)	ضریب پایایی ترکیبی ($\alpha > 0.7$)	میانگین واریانس استخر اجی ($AVE > 0.4$)	قدرت پیش-بینی مدل (R^2)	معیا
هوش‌هیجانی	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۳۴	--	--
ارزیابی احساسات خود	۰/۶۶	۰/۸۱	۰/۵۹	۰/۲۲	/۲۸۹
ارزیابی احساسات دیگران	۰/۷۴	۰/۸۳	۰/۴۹	۰/۳۲	/۶۰۵
خودتنظیمی	۰/۶۶	۰/۸۱	۰/۵۹	۰/۳۹	/۷۰۶
مهارت اجتماعی	۰/۶۴	۰/۸۰	۰/۵۸	۰/۳۸	/۶۰۶
به کارگیری عوطف	۰/۷۷	۰/۸۴	۰/۵۳	۰/۵۳	/۷۰۵
خوشبینی	۰/۷۷	۰/۸۶	۰/۶۸	۰/۲۷	/۲۸۶
جهتگیری ورزشی	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۴۰	۰/۰۲	/۰۶۰
رقابت‌طلبی	۰/۸۵	۰/۸۸	۰/۴۴	۰/۴۰	/۹۲۴
تمایل به-پیروزی	۰/۸۰	۰/۸۶	۰/۵۰	۰/۴۵	/۸۸۵
هدف‌گزینی	۰/۶۳	۰/۸۰	۰/۵۷	۰/۳۳	/۵۷۰

سازه جهتگیری ورزشی از مقدار آردو ضعیفی برخوردار بود چرا که چین^{۱۶} (۱۹۹۸) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای این شاخص لحاظ کرد و براین اساس مشخص ساخت که، هر چه مقدار آردو مربوط به سازهای درون‌زا در مدل پیشتر باشد، آن مدل برآزش بهتری دارد. لازم به ذکر است که مقدار (R^2)، تنها برای سازه‌های درون‌زا (ملک) مدل محاسبه می‌گردد و در مورد سازه‌های برون‌زا، مقدار این معیار صفر است.

بحث

به طور کلی، هوش‌هیجانی به مثابه سازه ای معتبر و اثربخش در روان‌شناسی عمومی و بخش‌های دیگر از جمله

مطابق با شاخص‌های ارائه شده در جدول ۴، وضعیت ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی همه متغیرهای پژوهش مناسب بود اما در بررسی میانگین واریانس استخر اجی، هوش‌هیجانی وضعیت ضعیفی داشت. به لحاظ شاخص قدرت پیش‌بینی مدل، که توسط ولد^{۱۴} (۱۹۷۴) معرفی شد و هنسler، Ringle و Sivnokovics^{۱۵} (۲۰۰۹) در مورد شدت آن سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را تعیین نموده اند، تنها سازه درون‌زا جهتگیری قدرت پیش‌بینی ضعیفی داشت. برآسانش ساختاری مدل‌سازی که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و نشان از تأثیر متغیر برون‌زا بر متغیر درون‌زا دارد تنها

16.Chin

14.Wold

15.Henseler, Ringle & Sinkovics

موضوع نخست به طبقه‌بندی ابعاد هوش‌هیجانی گلمن (۱۹۹۸) بایستی اشاره کرد، وی این ابعاد را در دو طبقه فردی و اجتماعی دسته‌بندی می‌کند و براین اساس بعدهای خودآگاهی، خودتنظیمی و خود-انگیختگی را جزء دسته ابعاد فردی و بعدهای همدلی و مهارت‌های اجتماعی را جزء دسته ابعاد اجتماعی لحاظ می‌کند. از این‌رو می‌توان گفت که زمانی خود تنظیمی یا به واقع مدیریت حس شناخته شده حالت جدی‌تر به خود می‌گیرد که خودآگاهی از پیش شکل گرفته باشد، بنابراین می‌توان گفت که این دو خود علت و معلول هم هستند، به واقع به اعتقاد پژوهشگر وجه تفاوت نتیجه این پژوهش با پژوهش ذکر شده جامعه آماری آن است که ممکن است این تفاوت ناشی از آن شکل گرفته باشد، چراکه دور از انتظار نیست که ورزشکار یا ورزشکاران برتر به لطف توائمندی که دارند یک گام فراتر از دیگر از ورزشکارانی باشند که در سطح آماتوری به ورزش می‌پردازند، کما این‌که این حالت می‌تواند سبب موفقیت آن‌ها در میادین ورزشی نیز گشته باشد. نتایج نشان داد که میل به شکست حریفان در نزد ورزشکاران برتر مرد رشته‌های برخوردي بسیار مهمتر از پیشرفت در مهارت‌های ورزشی، رقابت‌طلبی، تعیین و تدوین هدف است؛ چرا که در نتیجه آزمون رتبه‌بندی فریدمن تمايل‌به‌پیروزی با میانگین برابر ۲/۳۲ بیشترین نمره را به خود اختصاص داده است. نتیجه به دست آمده در این پژوهش تا حدود زیادی با نتیجه پژوهش جمشیدی و

مدیریت و روان‌شناسی سازمانی است. از طرف دیگر حوزه ورزش، به ویژه روان‌شناسی ورزش نیز با استفاده از این سازه توائمه است خدمات و تحولی را در زمینه روابط فردی و بین‌فردی مربیان، ورزشکاران، داوران، مدیران ورزشی و جزء آن با هم دیگر ایجاد کند. گسترش روز افزون پژوهش‌های هوش‌هیجانی در حوزه‌های مختلف ورزش مؤید این موضوع است. از این‌رو در این پژوهش رابطه هوش‌هیجانی با جهت‌گیری ورزشی مردان ورزشکار برتر رشته‌های برخوردي مورد آزمون و بررسی قرار گرفت. در ابتدا نتایج آزمون فریدمن برای مؤلفه‌های هوش‌هیجانی نشان داد که ورزشکاران خودتنظیمی را با میانگین ۳/۹۲ انتخاب اول خود می‌دانند و در ادامه به ارزیابی احساسات خود و ترتیب با میانگین‌های ۳/۵۵ و ۲/۳۷ کمترین توجه را دارند. نتایج پژوهش در این زمینه با یافته‌های سید عامری و همکاران (۱۳۹۱) هم خوانی ندارد. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که در رتبه‌بندی مؤلفه‌های هوش‌هیجانی، مؤلفه خودآگاهی در اولویت اول قرار دارد و با توجه به این‌که این مؤلفه اساس هوش‌هیجانی است، افرادی که نسبت به شناخت عواطف خود اطمینان بیشتری دارند و ضعف‌ها و قدرت‌های خود را می‌شناسند، خود ارزیابی واقعی دارند و دارای حسی قوی از شایستگی‌های خویش هستند؛ بنابراین بهتر می‌توانند عواطفشان را هدایت کرده و در زمینه اتخاذ تصمیم‌ها اعتماد بیشتری دارند. در تفسیر این

نتیجه پژوهش شعبانی بهار و همکاران (۱۳۹۱) اشاره کرد که در بررسی خود مشخص ساختند بین هوش‌هیجانی و عملکرد ورزشی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. از طرفی احتمال این که هوش‌هیجانی موجبات کمالگرایی ورزشکاران را فراهم کند با توجه به نتیجه پژوهش سلطانی فرد و همکاران (۱۳۸۷) وجود دارد. هر چند که اصلاحخانی و همکاران (۱۳۸۷) نیز به این نتیجه دست یافتند که مقدار هوش‌هیجانی در ورزشکاران نخبه نسبت به ورزشکاران غیرنخبه بیشتر است.

از میان مؤلفه‌های جهتگیری ورزشی، رقابتطلبی بیشترین همبستگی را با هوش‌هیجانی دارد. این یافته با نتیجه پژوهش الیاسی و همکاران (۲۰۱۱) هم خوانی دارد. به‌واقع رقابتطلبی، آمادگی و گرایش فرد برای کسب رضایت و خشنودی در رقابت‌ها را بیان می‌کند. در این رابطه اتفکینسون در نظریه انگیزش پیشرفت خود بیان می‌کند که انگیزش پیشرفت را گرایش‌های برایند یا رفتاری، واکنش‌های هیجانی و رفتار پیشرفتهای یا موفقیت تشکیل می‌دهند. این نظریه در موقعیت‌های که احتمال برنده شدن پنجاه پنجاه (۵۰/۵۰) است، بیشتر صادق است. در این شرایط افراد بسیار پیشرفتهای را به دنبال مبارزه طلبی در این موقعیت هستند، زیرا از رقابت با افراد هم‌سطح خود لذت می‌برند، در حالی که افراد غیرپیشرفتهای را از مبارزه طلبی اجتناب می‌ورزند و به دنبال کسب موفقیت در انجام تکلیف ساده‌ترند. بنابراین ورزشکارانی که

همکاران (۲۰۱۱) هم خوانی دارند، با این تفاوت که در پژوهش ذکر شده این نتیجه در مقایسه تفاوت بین مردان و زنان ورزشکار به دست آمده است. در واقع تمایل به پیروزی، اشتیاق فرد برای بین فردی است و می‌توان گفت اگر تمایل به پیروزی مهم‌ترین عامل برای بازیکنان یک تیم ورزشی باشد، رقابت درون-گروهی خیلی جدی و سخت خواهد بود و در نتیجه تأثیرات روان‌شناختی ورزشی زیان‌باری را به همراه خواهد داشت (دانیلز و همکاران، ۲۰۰۵).

هر چند که گیل و همکارانش نیز بین مؤلفه‌های جهتگیری ورزشی تفاوت قائل شدند. به‌زعم آن‌ها ورزشکارانی که متمایل به پیروزی هستند، دوست دارند برنده شوند و از بازنده شدن در ورزش دوری می‌کنند، آن‌ها موفقیت را نسبت به دیگران ارزیابی می‌کنند (فینکنبرگ و همکاران، ۱۹۹۸). نتایج آزمون ضربی همبستگی پیرسون نشان داد که بین هوش‌هیجانی و جهتگیری ورزشی مردان ورزشکار برتر رشته‌های برخوردي رابطه مستقیم معناداری وجود دارد. یافته‌ها گویای این مطلب است که با افزایش میزان هوش‌هیجانی ورزشکاران، احتمال به کار بستن جهتگیری ورزشی افزایش می‌یابد و بر عکس. این یافته‌ها با نتایج الیاسی و همکاران (۲۰۱۱) هم خوانی دارد. شاید این امر به این دلیل باشد که افرادی که از هوش‌هیجانی بالایی برخوردار هستند، با انرژی بیشتری عملکرد خود را برای رسیدن به هدف دنبال می‌کنند که در تصدیق این ادعا می‌توان به

تواند جای سوال داشته باشد. در ادامه نتایج مدلسازی معادلات ساختاری نشان داد که هوش‌هیجانی تأثیر معناداری بر جهتگیری ورزشی دارد. هم چنین براساس ضریب استاندارد شده مسیر، هوش‌هیجانی به-میزان ۰/۲۴ درصد از تغییرات متغیر جهتگیری ورزشی را تبیین می‌کند. این در حالی است که بعد به کارگیری عوایض و بعد رقابت‌طلبی به ترتیب برای متغیرهای هوش‌هیجانی و جهتگیری ورزشی بیشترین توان پیش‌بینی تغییرات متغیرهای خود را دارا بودند. از این رو با توجه به این که مدل ارائه شده تنها با استفاده از مبانی نظری پژوهش حاضر اقتباس شده، نوع راهبردی مدلسازی به کار گرفته شده، راهبرد از نوع تأیید مدل است و با توجه به معیارهای برآش، مدل ارائه شده پژوهش حاضر تقریباً از برآرش مناسبی برخودار است، از این رو بسترهای فراهم می‌گردد که سایر پژوهشگران بتوانند در آینده با استفاده از این مدل پایه، به توسعه آن بپردازنند. شایان توضیح است که جهتگیری ورزشی ورزشکاران با توجه به نوع رشته ورزشی و حتی نوع جنسیت متفاوت بوده و تابع متغیرهای پیشگوی دیگری نیز است، از-این‌رو این موضوع می‌تواند محدودیتی در تعمیم نتایج این پژوهش به دیگر رشته‌ها باشد. هم چنین با توجه به این‌که سطح تحصیلات ورزشکاران در این پژوهش متفاوت بود. از این‌رو نتایج برخاسته از آن نیز می‌تواند محدودیت‌های برای نتایج پژوهش حاضر عنوان شود. در انتهای پیشنهاد می‌شود، به منظور

دارای انگیزش پیشرفت سطح بالای هستند، نسبت به ورزشکارانی که انگیزش پیشرفت سطح بالای ندارند، خود را تواناتر تصور می‌کنند و در نتیجه بیشتر کوشش می‌کنند و به نظر می‌رسد زمانی که رقابت‌طلبی ورزشکاران بیشتر باشد، افراد اعتماد به نفس و آمادگی بیشتری دارند، بنابراین احتمال این‌که این قابلیت‌ها یا تصورات مثبت از سطح بالای هوش‌هیجانی ورزشکاران حاصل شده باشد وجود دارد، چرا که یکی از عوامل موفقیت و ارتقاء سطح عملکرد ورزشکاران، به ویژه ورزشکاران نخبه و برتر همانا هوش‌هیجانی بالای آن‌ها می‌تواند باشد. هم‌چنین در نتایج مشخص گردید که بعد تمایل به پیروزی متغیر جهتگیری ورزشی با هوش‌هیجانی ارتباط مثبت و معناداری دارد، این در حالی است که نتیجه پژوهش الیاسی و همکاران (۲۰۱۱) این یافته را تأیید نمی‌کند. اما در ادامه مشخص گردید که بین بعد هدفگرایی و هوش‌هیجانی رابطه معناداری به حیث آماری وجود ندارد. به اعتقاد پژوهشگر در وله نخست نوع ورزش‌های که در این پژوهش به کار گرفته شدند خود می‌تواند دلیل این عدم معناداری شده باشد، چرا که در تصدیق این ادعا موناسیس و همکاران (۲۰۱۳) به این نتیجه دست یافتند که جنسیت و نوع ورزش به طور مستقیم بر جهتگیری اثر گذار می‌باشد. هر چند که این عدم معناداری در محدوده کاملاً نزدیک به سطح معناداری به دست آمده است، بنابراین این نوع تعمیم یافتگی نیز خود می-

گیری ورزشی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و باعث تغییر در میزان و شدت آن می‌شود. بنابراین، هوش‌هیجانی از جمله مهم‌ترین عوامل تعیین کننده جهتگیری ورزشی به شمار می‌رود و نشان می‌دهد که افزایش قابلیت جهتگیری در محیط‌های ورزشی، تابع توان بالای ورزشکاران در داشتن هوش‌هیجانی است.

افزایش قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش، تعداد ورزشکاران بیشتری به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و هم‌چنین نوع رشته آن‌ها در پژوهش‌های آتی بررسی شود.

نتیجه‌گیری

مطابق با نتایج پژوهش حاضر به نظر می‌رسد هوش‌هیجانی ورزشکاران در جهت-

References

- Abolqasemi, A., Kyamrty, M., & Sohrabi, Z. (2013). Relationship goal orientation, self-efficacy and positive and negative emotions of sports performance and life satisfaction in Washing female athletes. *Studies sports psychology*, (4), 25-38.
- Aslankhani, M., Shams, A. M. & Shamsipour, dehkordi, B. (2008). The relationship between emotional intelligence and personality factors in adult athletes, elite and non-elite. *Journal of human movement*, (1), 3-11.
- Bar-On, R. E., & Parker, J. D. (2000). *The handbook of emotional intelligence: Theory, development, assessment, and application at home, school, and in the workplace*: Jossey-Bass Book.
- Bowman, M., Flower, N., Machuga, J., Morris, M., Pasternak, A., & Raudenbush, B. (2001). Motivational differences between group and individual athletic teams participating in intercollegiate and intramural sports. Paper presented at the Journal of Sport & Exercise Psychology.
- Crabbe, R. C. (2007). *Emotions in Sports*. Virginia Polytechnic Institute and State University.
- Chin, W. W. (1998). Commentary: Issues and opinion on structural equation modeling: JSTOR.
- Davari, A., & Reza Zadeh, A. (2013). *Structural equation modeling software PLS*. Publications SID. Tehran.
- Doostdar, M., & Khaef, E. A. (2001). Dimensions of emotional intelligence. *Journal of Management and Development*. No, 18.
- Finkenberg, M. E., Moode, F. M., & Dinnucci, J. M. (1998). Analysis of sport orientation of female collegiate athletes. *Perceptual and motor skills*, 86(2), 647-650.
- Goleman, D. (1998). *Working with emotional intelligence*: Random House LLC.
- Gill, D. L. (2000). *Psychological dynamics of sport and exercise*: Human Kinetics.
- Gill, D. L., & Deeter, T. E. (1988). *Development of the sport orientation questionnaire*. Research Quarterly for Exercise and Sport, 59(3), 191-202.
- Gardner, H. (2001). *Multiple Intelligences: The Theory in Practice*. Newyork: Basic book.
- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). The use of partial squares path modeling in international marketing. *Advances in international marketing*, 20, 277-319.
- Ilyasi, G., Sedagati, P., & Salehian, M. H. (2011). Relationship between the Sport Orientation and Emotional Intelligence among Team and Individual Athletes. *Annals of Biological Research*, 2(4), 476-481.
- Jamshidi, A., Hossien, T., Sajadi, S. S., Safari, K., & Zare, G. (2011). The relationship between sport orientation and competitive anxiety in elite athletes. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 1161-1165.
- Kajbafnezhad, H., Ahadi, H., Heidarie, A. R., Askari, P., & Enayati, M. (2011). Difference between Team and Indyvidual Sports with Respect to Psychological Skills, Overall Emotional Intelligence and Athletic of Basic and Applied Scientific Research Success Motivation in Shiraz City Athletes. *Journal*, 1(11), 1904-1909.
- Lane, A. M., Meyer, B. B., Devonport, T. J., Davies, K. A., Thelwell, R., Gill, G. S., Weston, N. (2009). Validity of the emotional intelligence scale for use in sport. *Journal of sports science & medicine*, 8(2).
- Mokhtari Pour, M. (2006). The study of relationship between emotional intelligence and leadership theory. *Humanities and Social Sciences Research Letter*, 21, 39-56.
- Monacis, L., Estrada, O., Sinatra, M., Tanucci, G., & de Palo,V.(2013).*Self-determined Motivation, Sport spersonship, and Sport Orientation: A Mediational Analysis*. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 89, 461-467.

Noorbakhsh, B. Zarghami, M., & Hosni, S. (2006). Compared to the individual and team sport athletes male and female students participating in the seventh Olympiad competitive sport and its relation to motivation. The Journal Studies sports psychology. No. 30, 103-121.

Soltani Fard, b. Sharifi daramadi, B. And Askarian, M. (2008). The relationship between perfectionism and emotional intelligence male athlete's city of Khorramabad. Journal of Applied Psychology, (4): 626-635.

Seyed Ameri, M. Saeedi, SH. And Manafi, F. (2013). The relationship between emotional intelligence and sport success team sport athletes Eleventh Olympiad students around the country. Studies sports psychology, (4), 47-56.

Shabani Bahar, Gh. Jacobite, a., & Farooqi, h. (2010). The relationship between emotional intelligence and athletic performance of athletes in Hamedan province. Sports Science Research, 28, 81-92.

Wold, H. (1974). Causal flows with latent variables: partings of the ways in the light of NIPALS modelling. European Economic Review, 5(1), 67-86.